

رسالة

جریان شناسی تفسیر اجتماعی عقلی

مؤلف

حجت الاسلام دکتر محمد اسعدی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۷

اسعدی، محمد، ۱۳۵۰ -
جریان‌شناسی تفسیر اجتماعی عقلی / مؤلف محمد اسعدی؛ ویراستار سعیدرضا علی‌عسگری. — قم: پژوهشگاه حوزه و
دانشگاه، ۱۳۹۷.
سیزده، ۱۵۳ ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۳۷: قرآن پژوهی؛ ۴۳)
ISBN: 978-600-298-201-8
بها: ۹۰۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه، ص. [۱۳۵] - ۱۴۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. تفاسیر شیعه—قرن ۱۴—نقد و تفسیر. ۲. —Shiite hermeneutics—20th century— Criticism & interpretation.
۳. قرآن—بررسی و شناخت. ۴. Qur'an— Surveys. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۷ ج ۴ الف ۵۱۵/ BP۹۸/۱۷۹ ۲۹۷/۱۷۹
شماره کتابشناسی ملی
۵۱۰۵۴۹۸



جریان‌شناسی تفسیر اجتماعی عقلی

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم—سبحان

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu



جمهوری اسلامی ایران
شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

این کتاب در ذیل طرح کلان ملی تقدیر و بررسی جریان های تفسیری قرآن کریم در سیزدهمین جلسه شورای عالی
علوم، تحقیقات و فناوری، مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۴ به تصویب رسیده است.

سخن نخست

در جهان امروز، پیشرفت و توسعه بر مبنای علم و فناوری استوار شده و پژوهش از مهم‌ترین پیشران‌های توسعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به حساب می‌آید و توفیق پایدار در این زمینه‌ها در صورتی محقق می‌شود که در برنامه‌ریزی‌های هدفمند و کلان، توجه مناسبی به امر پژوهش و توسعه بر مبنای علم و فناوری صورت پذیرد.

در این میان اما حوزه علوم انسانی به دلیل نقش کلیدی و تأثیرگذار آن در زیرساخت‌های فکری فرهنگی جامعه اهمیتی درخور دارد؛ این اهمیت در نظام متکی بر اندیشه اسلامی به دلیل غنا و عمق آموزه‌های دینی نسبت به نیازهای گوناگون انسانی مضاعف به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر قرآن کریم به مثابه کتاب هدایت الهی انسان و جامعه و منبع نخست معرفت دینی، همواره برای اندیشمندان دین‌باور و جستجوگر گنج‌نامه‌ای سرشار بوده و جریان‌های گونه‌گون تفسیری در جغرافیای عالم اسلام، هر یک از منظری به دنبال کشف و ارائه ابعاد هدایتی آن بوده‌اند. مجموعه این تجربه‌های تفسیری به‌رغم اختلافات، امروزه به مثابه رنگین‌کمانی ارزشمند از شیوه‌های فهم و شناخت ابعاد هدایت قرآنی رخ می‌نماید. شکی نیست که در پاسخ به نیازها و پرسش‌های عصری و به دلیل ماهیت فزاینده معرفت و هدایت قرآنی، می‌توان و باید مستند به منطق اجتهادی و قابل دفاع تفسیر، تجربه‌های گذشته را بازخوانی کرد. طبعاً تفسیر ضابطه‌مند قرآن کریم نرم‌افزاری ارزنده برای تولید علوم انسانی اسلامی خواهد بود.

در این راستا شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری پروژه های علمی خاصی را مورد حمایت قرار داده است که طرح کلان نقد و بررسی جریان های تفسیری با اجرای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه از آن جمله بوده است. محصول این طرح اکنون پس از سال ها پژوهش از سوی جمعی از محققان قرآن پژوه به جامعه علمی تقدیم می شود که در اینجا از عموم دست اندرکاران تولید آن در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دیگر استادان ارجمند که در تألیف و ارزیابی آن نقش داشته اند، قدردانی می شود.

دبیر کل شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآنی و تفسیر در مقطع تحصیلات تکمیلی فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب حجت‌الاسلام دکتر محمد اسعدی و نیز از ارزیابان محترم اثر، حضرات آقایان حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب‌حسینی، حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمدعلی ایازی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد سپاسگزاری کند.

همچنین از نقش حمایتی شورای عالی عتف به‌ویژه سروران معزز کمیسیون علوم انسانی، معارف اسلامی و هنر، از این پروژه در قالب طرح کلان ملی نقد و بررسی جریان‌های تفسیری و نیز پیگیری‌های مجدّانه مدیران محترم گروه قرآن‌پژوهی در طول سال‌های اخیر، حضرات آقایان دکتر محمدباقر سعیدی روشن، دکتر محمد اسعدی و دکتر سید محمود طیب‌حسینی قدردانی می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱. جریان تفسیری.....	۵
۲-۱. جریان تفسیر اجتماعی عقلی.....	۶
۳-۱. روش تفسیر اجتهادی به مثابه روش معیار.....	۱۲
۴-۱. اصول تفسیر اجتهادی با رویکرد اجتماعی عقلی.....	۱۷
الف) اصول نظری.....	۱۸
۱-۴-۱. اشتغال ابعاد وجودی انسان بر بُعد اجتماعی.....	۱۸
۲-۴-۱. نقش آفرینی ابعاد و مفاهیم اجتماعی در مقاصد هدایتی قرآن.....	۱۹
۳-۴-۱. امکان استخراج دیدگاه‌های هدایتی قرآن در حوزه مسائل اجتماعی و اعتبار آن.....	۲۰
۴-۴-۱. نقش و نسبت ادله نقلی در فهم و تفسیر آموزه‌های اجتماعی قرآن.....	۲۰
۵-۴-۱. نقش و نسبت دلالت‌های عقلی در فهم و تفسیر آموزه‌های اجتماعی قرآن.....	۲۱
ب) اصول عملی.....	۲۳
۱-۴-۶. شناخت مسائل و مفاهیم اجتماعی و دغدغه‌مندی مفسر نسبت به آنها.....	۲۳
۲-۴-۷. جستجو و بررسی مفاهیم اجتماعی قرآن.....	۲۳
۳-۴-۸. توجه به اصول توسعه دلالتی در مفاهیم قرآن.....	۲۴
۴-۴-۹. بررسی ادله روایی مرتبط با ابعاد اجتماعی مفاهیم قرآنی.....	۲۸
۱-۴-۱۰. عقلانیت اجتهادی در تحلیل‌های اجتماعی از آیات.....	۲۸
جمع‌بندی فصل اول.....	۳۰

فصل دوم: بررسی توصیفی جریان تفسیر اجتماعی عقلی

۱-۲. ریشه‌های تاریخی جریان اجتماعی عقلی در تفکر دینی.....	۳۳
۲-۲. زمینه‌های جریان اجتماعی عقلی در تفکر دینی.....	۳۵

۳۵ ۱-۲-۲. زمینه‌های بیرونی
۳۶ الف) سلطه استعماری غرب
۳۹ ب) شبهه‌های علمی مستشرقان
۳۹ ج) رواج مکاتب و آیین‌های انحرافی
۳۹ ۲-۲-۲. زمینه‌های درونی
۴۰ الف) تمرکز عالمان اسلامی بر ابعاد فردی دین
۴۰ ب) روایت‌گرایی و غفلت از آسیب‌های روایات سنتی
۴۰ ج) دوری از عقلانیت در باورها و رفتارهای دینی
۴۲ ۳-۲. جریان اصلاح دینی و تفسیر قرآن
۵۴ ۴-۲. شاخه‌های جریان و مهم‌ترین تفسیرهای اجتماعی فریقین
۵۴ - حوزه سنی
۵۸ - حوزه شیعی
۶۳ ۵-۲. اصول و مؤلفه‌های روش‌شناختی در تفسیرهای جریان اجتماعی عقلی
۶۴ ۲-۵-۱. رکن اجتماعی جریان
۶۷ ۲-۵-۲. رکن عقلی جریان
۶۸ الف) اهتمام نداشتن به روایات و اخبار، با شعار ضرورت اجتهاد و گریز از تقلید
۶۹ ب) نفی ظاهرگرایی
۷۰ ج) پاسداشت قلمرو عقل و تجربه‌های عقلی و علمی بشری در تفسیر
۷۲ د) توجه به توسعه‌پذیری دلالت‌های قرآنی
۷۳ جمع‌بندی فصل دوم

فصل سوم: بررسی انتقادی جریان تفسیر اجتماعی عقلی

۷۹ ۱-۳. نقد و بررسی مبنایی
۷۹ ۳-۱-۱. در حوزه عقلی
۸۰ الف) معارف نظری
۸۲ ۳-۱-۱-۱. نگرش تشبیهی و حس‌گرایانه به واقعیات فراطبیعی عالم شهود
۸۶ ب) معارف عملی
۸۶ ۳-۱-۱-۲. نگرش مصلحت‌گرا در تشریحات غیرعبادی
۹۶ ۳-۱-۲. در حوزه قرآنی
۹۶ ۳-۱-۲-۱. تلقی تمثیلی از زبان قرآن در مفاهیم فراطبیعی و برخی قصص نامتعارف
۱۰۰ ۳-۱-۲-۲. تلقی عرفی از زبان قرآن در مقام تشبیه و موعظه و حکایت
۱۰۲ ۳-۱-۲-۳. کفایت‌نگری در گستره معارف قرآنی
۱۰۳ ۳-۱-۳. در حوزه روایی: تنگ‌نظری به نقش و قلمرو روایات تفسیری
۱۰۴ ۳-۱-۳-۱. بخش معارف نظری
۱۰۹ ۳-۱-۳-۲. بخش معارف عملی

۱۱۰	۲-۳. نقد و بررسی روشی.....
۱۱۳	۳-۲-۱. رعایت نشدن ضوابط تفسیری در تفکیک میان دو حوزه تنزیل و تأویل.....
۱۱۵	۳-۲-۲. خلط دلالت ظاهر با نص.....
۱۱۶	۳-۲-۳. روش ناصواب در اخذ سیاق، متکی به نظریه تناسب و وحدت موضوعی در قرآن.....
۱۱۸	۳-۳. نقد و بررسی غائی.....
۱۱۹	۳-۳-۱. نسبت جریان با رویکردهای اصلاحی تفسیری معاصر.....
۱۲۱	۳-۳-۲. نسبت جریان با رویکردهای سلفی وهابی.....
۱۲۴	۳-۳-۳. نسبت جریان با رویکردهای علمی افراطی.....
۱۲۶	۳-۳-۴. نسبت جریان با رویکردهای تجددگرای تأویلی.....
۱۲۹	۳-۳-۵. نسبت جریان با رویکردهای علوم اجتماعی اسلامی.....
۱۳۱	جمع‌بندی فصل سوم.....
۱۳۳	نتایج.....
۱۳۵	منابع و مأخذ.....

نمایه‌ها

۱۴۷	نمایه آیات.....
۱۵۰	نمایه روایات.....
۱۵۱	نمایه اشخاص.....
۱۵۳	نمایه اصطلاحات.....

مقدمه

جریانی که در این اثر از آن به جریان تفسیر اجتماعی عقلی یاد شده، در بستر نهضت اصلاح طلبی دینی طیفی از اندیشمندان اسلامی، عمدتاً از قرن چهاردهم هجری شکل گرفته و امروز با توسعه دانش های اجتماعی، به ویژه با رویکرد اسلامی جایگاه و اهمیت ویژه ای یافته است. مبانی نظری و اصول روشی اصحاب این جریان از یک سو، و گرایش ویژه ای که در نگرش ها و نگارش های آنان نسبت به پیشینیان به چشم می خورد از سوی دیگر، بیانگر حرکتی نو و درخور اعتناست. ضمن آنکه اهداف و دغدغه های بلند این جریان در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی و تأثیری که در نوع تفسیرهای آنان داشته شایسته توجه ویژه است.

عقل گرایی در بُعد مبانی و روش تفسیری و جامعه گرایی و دغدغه مسائل کلان اجتماعی، اعم از سیاسی و فرهنگی در بعد گرایش و جهت گیری تفسیری آنان، وجوه تمایزدهنده این جریان از دیگر جریان هایی است که در حوزه تفسیر مطرح بوده اند؛ گرچه روش عقلی یا عقل گرایانه، در طیف وسیعی از مفسران گذشته سابقه داشته و اهتمام به مسائل جامعه نیز عمدتاً در ابعاد سازندگی روحی و معنوی کم و بیش در میان مفسران دیگر شایسته پیگیری است، اما آنچه در این نوشتار منظور است، جریانی است که این هر دو ویژگی، وجه غالب آثار تفسیری آن بوده و در عمل به پی ریزی حرکت های اجتماعی قرآنی و تدوین آثاری با این رویکرد موفق شده است. ضمن آنکه اصحاب این جریان، کسانی هستند که فارغ از حوزه تفسیر، دغدغه های اجتماعی داشته و غالباً فارغ از قرآن و دانش رسمی تفسیر، درگیر مسائل و مشکلات اجتماعی و در جستجوی راه حل آنها بوده اند.

از آنجا که بیشتر اصحاب این جریان در نهضت اصلاح طلبی دینی نقش داشته اند، در آثار

گوناگون مرتبط با این حوزه، مورد توجه پژوهشگران واقع شده و اندیشه‌های اصلاحی آنان کم‌وبیش بررسی شده‌اند،^۱ اما بُعد تفسیری آنان از منظر اصول و ضوابط دانش تفسیر با نگاهی جریان‌شناسانه کمتر در معرض بررسی بوده و نقد و بررسی‌های موجود بیشتر از منظر سلفی و اشعری^۲ صورت گرفته‌اند که به‌رغم اشتغال بر برخی اشارات و بررسی‌های انتقادی مهم، از منظر عقل‌گرایی شیعی و آموزه‌های ناب مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) چندان کارآمد دیده نمی‌شود. در میان آثار گذشته، استاد علی کمالی دزفولی در کتاب تاریخ تفسیر با نگرشی انتقادی، از برخی آرای این جریان یاد کرده که در جای خود ارزشمند است؛ اما در این اثر به‌طور جامع به این جریان نگاه نشده و بیشتر از شیخ محمد عبده و تا حدی از مراغی و شلتوت یاد شده است. همچنین آرای عبده در ادامه نهضت اصلاحی نومعزله هند به رهبری سیداحمدخان تعریف شده که به‌رغم برخی تفاوت‌ها و تعدیل‌ها، به آسیب‌های همان رویکرد معرفی مبتلا شده است. ادبیات این اثر نیز تا حدودی تند و دور از روش علمی است.^۳

همچنین به دلیل اشتغال این جریان بر بعد عقلی در روش تفسیر، می‌توان بر آثاری که به نقد و بررسی روش عقلی در تفسیر پرداخته‌اند، در پیشینه‌شناسی موضوع توجه کرد؛ چه اینکه با توجه به رویکرد پررنگ و جدی اصحاب این جریان به روش قرآن‌گرایی، برخی بحث‌ها و بررسی‌های مربوط به جریان قرآن‌گرایی ناظر به این جریان نیز دیده می‌شوند.

گفتنی است که پیش از این، تجربه تدوین کتاب آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری (مشمول بر بخش جریان تفسیر اجتماعی عقلی) در دو جلد در گروه قرآن‌پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، با همکاری عالمانه جمعی از قرآن‌پژوهان حوزه و دانشگاه با استقبال نسبی فرهیختگان

۱. از جمله ر.ک: ابوریة، جمال‌الدین الافغانی؛ بهی، اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب؛ خدوری، گرایش‌های سیاسی در جهان عرب؛ سیدیوسف، رائد الاجتهاد و التجدید فی العصر الحدیث الامام محمد عبده؛ شرفاوی، الفکر الدینی فی مواجهه العصر؛ عزیز احمد، تاریخ تفکر اسلامی در هند؛ عنایت، سیری در اندیشه سیاسی عرب؛ محیط طباطبایی، نقش سیدجمال‌الدین در بیداری مشرق زمین؛ مجتهدی، سیدجمال اسدآبادی و تفکر جدید؛ نصیری، «زمینه‌های تاریخی و سیر اندیشه اصلاح‌گرایی دینی سیدجمال‌الدین اسدآبادی»، فصلنامه معرفت، ش ۵۱، ۱۳۸۰؛ سلیمانی قره‌گل، «صورت‌بندی تجدد دفاعی در کشورهای اسلامی / بازخوانی تطبیقی آرای اجتماعی بدیع الزمان سعید نوری و سیدجمال‌الدین اسدآبادی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ش ۳، ۱۳۹۲، ص ۵۴-۷۴؛ خان‌محمدی، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر.

۲. از جمله ر.ک: ذهبی، التفسیر و المفسرون؛ رومی، اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر؛ همو، منهج المدرسة العقلية الحديثة فی التفسیر. ۳. ر.ک: کمالی دزفولی، تاریخ تفسیر، ص ۲۲۶-۲۴۶.

جامعه علمی قرآنی مواجه شد و در دوره‌های مختلف تحصیلات تکمیلی، در جایگاه منبع اصلی آموزشی نشست و محور نشست‌های علمی متعددی قرار گرفت؛ با این حال، به دلیل اهمیت موضوع و ضرورت توسعه قلمرو بحث و اصلاح و تکمیل مطالعات گذشته، با حمایت شورای عالی عتف در قالب طرح کلان ملی نقد و بررسی جریان‌های تفسیری، طرح تدوین آثاری با محوریت نقد و بررسی هریک از جریان‌های تفسیری به صورت تک‌نگاشت در دستور کار واقع شد که کتاب پیش‌رو در همین راستا، جریان تفسیر اجتماعی عقلی را به بررسی و نقد می‌گذارد.

ویژگی‌های طرح حاضر نسبت به طرح گذشته بدین قرارند:

۱. تدوین فصلی مستقل با عنوان مفاهیم و کلیات، برای رعایت سیر منطقی بحث و

شناخت مفاهیم اصلی و مبانی و اصول مورد نظر؛

۲. بازنگری مباحث گذشته و اصلاح و تکمیل ساختار پیشین؛

۳. تقویت نگاه ایجابی و مثبت به جریان تفسیری و آثار و اندیشه‌های آنها در کنار نقد، برای

معرفی مدل مطلوب از رویکردی تفسیری سازگار با دغدغه‌های اصلی این جریان یا گزینش

شاخه مثبت و قابل دفاع از میان شاخه‌های جریان.

نوشتار حاضر در سه فصل اصلی سامان یافته است: در فصل نخست، با عنوان مفاهیم و کلیات

بستر بحث فراهم شده و مباحث مفهوم‌شناختی و کلیاتی در روش تفسیر اجتهادی و اصول نظری و

عملی آن با رویکرد اجتماعی عقلی دنبال می‌شود؛ در فصل دوم، بررسی توصیفی جریان پیگیری

شده و در فصل سوم، در سه حوزه مبانی، روشی و غائی نقد و بررسی جریان صورت می‌گیرد.

در تهیه این اثر سرورانی از جامعه علمی کشور به‌ویژه اعضای محترم هیئت علمی و شورای

علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و کارشناس محترم گروه جناب حجت‌الاسلام

محسن یوسفی به صورت مستقیم، یا غیرمستقیم نقش ایفا کرده‌اند که از همه آنها سپاسگزاری

می‌شود. به‌طور ویژه نقش سرور گرامی جناب حجت‌الاسلام دکتر سعیدی روشن برای پیگیری‌های

مجددانه در تصویب انجام طرح در جایگاه ریاست پژوهشگاه و مدیریت گروه ستودنی است.

همچنین استادان گرامی حجت‌الاسلام دکتر سید محمود طیب حسینی، حجت‌الاسلام والمسلمین

سید محمدعلی ایازی و حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی‌راد در ارزیابی محتوای اثر و

اشارات راهبردی به نویسندگان نقش داشته‌اند که شایسته قدردانی و امتنان‌اند.

فصل اول

مفاهیم و کلیات

فصل حاضر به‌عنوان درآمدی بر مباحث اصلی کتاب مشتمل بر شرح مفاهیم کلیدی و مباحثی مرتبط با اصول نظری و عملی روش اجتهادی در تفسیر اجتماعی عقلی، به‌مثابه روش معیار و مطلوب در این تفسیر است.

۱-۱. جریان تفسیری

در ادبیات علوم قرآنی و تفسیری به زبان عربی مفاهیمی چون مناهج، اتجاهات، مذاهب، مدارس و الوان برای گزارش اندیشه‌ها و گروه‌های مشخصی از اندیشمندان حوزه تفسیر به کار می‌رود. البته در معنای دقیق هر یک از این مفاهیم و وجه تمایز آنها با هم چندان اتفاق نظر دیده نمی‌شود و معمولاً نویسندگان به تبیین و توضیح خود تکیه می‌کنند.^۱ این مسئله در زبان فارسی نیز که امروزه دامنه وسیعی از پژوهش‌های قرآنی را دربرمی‌گیرد، مطرح است؛ مفاهیمی چون روش‌ها، گرایش‌ها، مکاتب، رویکردها، سبک‌ها و جریان‌های تفسیری در این باره قابل توجه است.^۲ طبعاً انتخاب مفهوم جریان‌های تفسیری در قبال دیگر مفاهیم در این اثر نیازمند توضیح و توجیه است. به نظر می‌رسد در اصطلاح زبان فارسی دو مفهوم روش و گرایش تفسیری را می‌توان مفاهیم کلیدی در بحث یاد شده تلقی کرد و بر دیگر مفاهیم در ارتباط با آنها توجه نمود. همچنین در اصطلاح زبان عربی، مفهوم «منهج» معادل «روش» و مفهوم «اتجاه» معادل «گرایش»

۱. در این باره ر.ک: شریف، اتجاهات التجديد، ص ۶۷؛ بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۱۳؛ طیب حسینی، تفسیر / گرایش‌ها و روش‌های تفسیر، دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۳۶.
۲. ر.ک: شاکر، ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۲، دی ۱۳۸۱؛ اسعدی و شاکر، «تحلیل انتقادی طبقه‌بندی تفاسیر و ارائه مدل مطلوب»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۷۶، پاییز ۱۳۹۴.

تلقی می‌شود. روش تفسیری ناظر به چگونگی تفسیر کردن قرآن و خط‌مشی مفسر در تفسیر است. از این‌رو، مبانی و قواعد و اصول فهم و تفسیر، ملاک شناخت روش تفسیری‌اند. اما گرایش تفسیری بیانگر علاقه‌های فکری و شخصیتی مفسر است که اهتمام او را به قلمرو خاصی از آموزه‌های قرآنی سوق داده‌اند. البته در هر گرایش تفسیری نیز می‌توان از روش تفسیری حاکم بر مفسران دارای آن گرایش سراغ گرفت. به دیگر سخن، گرایش‌های تفسیری به روش‌های تفسیری مختلفی بروز یافته‌اند.

اما «جریان تفسیری» در این اثر به معنای حرکت و روند علمی اجتماعی با مجموعه‌ای از آثار و شخصیت‌های تفسیری با روش یا گرایش خاصی است که در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های قابل تحقیق، به صورتی اثرگذار در حوزه اندیشه‌های دینی قرآنی تبدیل شده است. اما تحلیل جریان تفسیری از حیث روش یا گرایش خاص تفسیری، متکی به تحلیل علمی ما از هر یک از جریان‌هاست و در بحث حاضر متکی به تحلیل ما از روایت‌گروی است و بسته به تعریفی که، از روایت‌گروی در تفسیر داشته باشیم، می‌توانیم از روش یا گرایش تفسیری پیروان آن سخن بگوییم.

همچنین این نکته حایز اهمیت است که روش تحقیق در یک جریان تفسیری با روش تحقیق در یک روش و مکتب تفسیری به معنای بسیط آن، تفاوت‌های جدی دارد. تحقیق در جریان تفسیری به مثابه یک جریان نظام‌مند تاریخی در حوزه فهم و تبیین قرآن، نیازمند توجه به مؤلفه‌های مختلف هر جریان و گونه‌ها و نقش و نسبت‌های آن با دیگر جریان‌های دینی و تاریخی است. از این‌رو، افزون بر نیاز این تحقیق به منابع و روش‌های علمی مربوط به حوزه تفسیر قرآن و زبان‌شناسی و معناشناسی آن، منابع و روش‌های تاریخی نیز به بررسی نیاز دارند. اما واژه تفسیر در اینجا و در مقام توصیف و جریان‌شناسی، به معنای کلی پرده‌برداری و رمزگشایی از آیات قرآن بوده و معنایی عام را دربر دارد که شامل تفسیر ظاهری و تفسیر باطنی قرآن می‌شود؛ گو اینکه در نقد و بررسی جریان‌های مدعی تفسیر قرآن و در مقام توصیه، از تعریف خاصی از آن دفاع خواهد شد.

۱-۲. جریان تفسیر اجتماعی عقلی

تاریخ تفسیر از دیرباز تاکنون شاهد فراز و فرودها و تنوع روش‌ها و گرایش‌ها بوده و امروزه تفسیر‌پژوهان شاخه‌های گوناگون تفسیری را طبقه‌بندی کرده‌اند که جریان تفسیر اجتماعی

عقلی یکی از این شاخه‌ها است که در واقع خود از جمع دو شاخه تفسیر عقلی و تفسیر اجتماعی حاصل آمده است. در میان پژوهشگران حوزه جریان‌ها و مکاتب تفسیری، از جریان مورد نظر ما با تعبیرهای مختلفی یاد می‌شود که هر یک از زاویه‌ای خاص صورت گرفته است؛ از جمله: ادبی اجتماعی، عقلی توفیقی (ایجاد وفاق میان اسلام و تمدن غربی) و عقلی اجتماعی جدید. برخی محققان نیز عنوان تفسیر اجتماعی یا گرایش اجتماعی در تفسیر را برای اشاره به جریانی عام به کار می‌برند که به آیات قرآن نگرش اجتماعی داشته و به دنبال راه‌حل مشکلات جامعه در قرآن هستند.^۱ در برخی آثار متأخرتر نیز از برخی شاخه‌های این جریان با عنوان جزئی‌تر «تفسیر سیاسی» یاد شده و تحلیل و بررسی شده‌اند.^۲ تفسیر سیاسی در این اصطلاح، در واقع اخص از تفسیر اجتماعی به معنای عام آن بوده و از میان مسائل اجتماعی عمدتاً به مسائل سیاسی معطوف به قدرت و حاکمیت گرایش دارد.^۳

به نظر می‌رسد، بررسی و تحلیل دقیق جریان مزبور، به دلیل آنکه طیف وسیعی از تفسیرها را با رویکردها و روش‌های گوناگون دربرمی‌گیرد، دشوار است، مگر آنکه ضمن تأکید بر بعد اجتماعی این جریان به مثابه گرایش تفسیری، به ویژگی روشی خاصی که جریان را از دیگر جریان‌های مشابه متمایز می‌کند نیز توجه کنیم. از این منظر، نگاه بحث حاضر به دو بعد مهم از جریان مورد اشاره است که نخست، به لحاظ گرایش تفسیری معطوف به حوزه اجتماع و دغدغه‌های مربوط به نیازهای جامعه و جستجوی راه‌حل مشکلات جامعه در تعالیم قرآن است و دوم، به لحاظ روش تفسیری به نقش عقل و مقدم داشتن تحلیل و تأویل‌های عقلی بر ظواهر نقلی اهتمام دارد؛ طبعاً زوایای دیگری مثل بعد ادبی یا قرآن‌گروی یا رویکرد خاص کلامی که ممکن است در تفسیرهای اصحاب این جریان با اهمیت باشند، در این بررسی برجسته نخواهند بود و بحث و بررسی آن ابعاد در آثار مستقل مرتبط با آنها دنبال می‌شود. در واقع گرایش اجتماعی در تفسیر خود به شاخه‌های مختلفی قابل تقسیم است که در این اثر شاخه‌ای از این گرایش در نظر است که دغدغه‌های اجتماعی مفسر در کنار اهتمام به روش‌های عقلی و تأویلی بروز یافته باشد.

۱. ر.ک: ایازی، «گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن مجید»، دو فصلنامه الهیات اجتماعی، ش ۳، ۱۳۸۹؛ حسینی میرصفی، گرایش اجتماعی در تفاسیر معاصر قرآن کریم، ص ۱۱ و ۳۱؛ نفیسی، «تفسیر اجتماعی قرآن چالش تعریف و ویژگی‌ها»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۲، ۱۳۹۳.
۲. ر.ک: خان‌محمدی، تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر؛ حسینی، مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن.
۳. ر.ک: حسینی، همان، ص ۵۳.

با توضیح یاد شده مراد از جریان تفسیر اجتماعی عقلی در این بحث، جریان‌ی تفسیری است که از میان گرایش‌های خاص تفسیری بر بعد اجتماعی اهداف و تعالیم قرآن تأکید داشته و از میان روش‌های تفسیری تکیه اصلی آن بر روش عقلی است و دیگر روش‌های تفسیری و منابع تفسیر را تنها در پرتو تحلیل و تأویل‌های عقلی معتبر می‌شمارد. طبعاً در بحث جریان‌شناسی در فصل دوم این اثر به‌طور مبسوط از گستره تاریخی و جغرافیایی این جریان سخن خواهیم گفت.

شناخت بهتر تفسیر اجتماعی عقلی در مفاهیم این بحث در گرو بررسی دو عنوان «اجتماعی» و «عقلی» در توصیف این جریان تفسیری است.

امروزه در اصطلاح رایج علمی، از دانش‌های مختلفی تحت عنوان علوم اجتماعی یاد می‌شود که به مثابه بخشی از علوم انسانی همگی به نوعی به مطالعه جنبه‌های اجتماعی انسان می‌پردازند. البته برخی علوم اجتماعی را به علمی که مستقیم به بررسی روابط اجتماعی، سازمان‌ها، گروه‌ها و روابط متقابل میان ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌پردازد ناظر می‌دانند؛ نظیر رشته‌های مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی، اما برخی، همه دانش‌های مربوط به انسان اجتماعی همچون اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاست، ارتباطات، روانشناسی و حقوق را تحت همین عنوان می‌آورند.^۱

در کنار این باید از رویکرد دیگری که با حوزه مطالعات اجتماعی پیوند دارد یاد کرد که از آن به فلسفه علوم اجتماعی تعبیر می‌شود و در شمار فلسفه‌های مضاف است. در فلسفه علوم اجتماعی به مثابه یک علم، مباحث نظری و تحلیلی مربوط به کلیت علوم اجتماعی و تعریف‌ها و مبانی و مبادی و روش و ساختار آن، مطرح می‌شود.^۲

مطالعه در علوم اجتماعی به‌ویژه جامعه‌شناسی معمولاً با دو رویکرد شناخته می‌شود: نخست، رویکرد اثبات‌گرا و مبتنی بر فلسفه علم پوزیتیویستی است که از به‌کارگیری روش‌های علوم طبیعی در علوم اجتماعی حمایت می‌کند و علم را اصولاً مطالعه واقعیتی که بیرون از بحث و گفتگوی علمی وجود دارد، تعریف کرده و اولاً بر تجربه‌گرایی و ثانیاً بر رهایی از

۱. درباره تعریف‌های علوم اجتماعی و به‌ویژه جامعه‌شناسی و تنوع دیدگاه‌ها ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۵ و ۱۵.

۲. ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، همان، ص ۵۰-۵۲.

ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی تأکید دارد.^۱ این رویکرد حتی در میان فیلسوفان علم غربی نیز در دوره معاصر منتقدان جدی یافته است.^۲

اما دومین رویکرد در مطالعات علوم اجتماعی، رویکرد هنجارگرا و دستوری است که در کنار روش‌ها و منابع تجربی به روش‌ها و منابع غیر تجربی، دینی و ارزشی نیز می‌اندیشد.^۳ طبعاً آنگاه که از علوم اجتماعی با رویکرد دینی و اسلامی سخن گفته می‌شود، همین رویکرد در نظر است. چنان‌که تفسیر قرآن با رویکرد اجتماعی را نیز باید در همین راستا دید.

همچنین از تفسیر اجتماعی قرآن دو تلقی می‌توان داشت: اول، تفسیر اجتماعی به مثابه گرایشی تفسیری در عرف تفسیر پژوهان و دوم، تفسیر اجتماعی به مثابه حوزه‌ای تخصصی و میان‌رشته‌ای در عرف نظریه‌پردازان مطالعات اجتماعی. در تلقی نخست، تفسیر اجتماعی در واقع گرایشی تفسیری و با دغدغه‌های معناشناسانه در آیات قرآن است؛ اما در تلقی دوم، تفسیری علمی و تخصصی (تفسیر قرآن بر پایه تخصص علمی) است. در تلقی نخست در میان تفسیر پژوهان، تفسیر اجتماعی به تفسیری اطلاق می‌شود که بیشتر با دغدغه‌های اجتماعی و با تأکید بر ابعاد اجتماعی مفاهیم و معارف قرآنی و به هدف پاسخگویی به پرسش‌ها و نیازهای اجتماعی زمانه از منظر قرآن صورت گیرد.^۴ تفسیر اجتماعی بدین معنا، به دو صورت و سبک تربیتی و موضوعی قابل اجراء است. اما در تلقی دوم در فضای مطالعات میان‌رشته‌ای معاصر، از تفسیر اجتماعی تفسیری اراده می‌شود که درصدد بررسی مبانی، مفاهیم و مسائل علوم اجتماعی و پاسخ علمی به نیازهای اجتماعی روز در آیات قرآن است و به تولید علوم اجتماعی با درون‌مایه اسلامی قرآنی می‌اندیشد؛ امری که در راستای پروژه کلان تحول علوم انسانی و تولید علوم اجتماعی اسلامی قرار می‌گیرد.^۵ این حرکت مهم که هنوز در آغاز راه است، در جستجوی نظام اجتماعی دین از راه استنباط و

۱. ر. ک: بنتون و کرایب، فلسفه علوم اجتماعی: بنیادهای فلسفی تفکر اجتماعی، ص ۳۵-۳۶.

۲. ر. ک: همان، ص ۳۶؛ نیز ر. ک: سعیدی روشن، تحلیل زبان قرآن، فصل چهارم.

۳. ر. ک: امزبان، روش تحقیق در علوم اجتماعی از اثبات‌گرایی تا هنجارگرایی، ص ۶-۷؛ مصباح یزدی، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۱۶-۲۱؛ برای بحثی مبسوط درباره نسبت جامعه‌شناسی با ایدئولوژی و بررسی مسئله بی‌طرفی علمی ر. ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۵۹-۹۸.

۴. ر. ک: ایازی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۵۳؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۳۴۷-۳۵۲؛ مؤدب، روحانی‌زاده، «مبانی تفسیر اجتماعی قرآن»، مجله تخصصی قرآن و علم، ش ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۵۷؛ نفیسی، «تفسیر اجتماعی قرآن چالش تعریف و ویژگی‌ها»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۴۷.

۵. ر. ک: پارسانیا، جهان‌های اجتماعی.

کشف دیدگاه قرآن است.^۱ تفسیر اجتماعی براساس این تلقی را باید در شمار تفسیرهای موضوعی دانست و از سبک تفسیر ترتیبی بیگانه دیده می‌شود.^۲

به نظر می‌رسد در تفسیرهای اجتهادی جامعی چون تفسیر المیزان اثر علامه طباطبایی هرچند تفسیر اجتماعی را باید در قالب همان تلقی نخست ملاحظه کرد، اما به دلیل وسعت دید و دغدغه‌های علمی عصری ایشان می‌توان گام‌ها و نشانه‌های درخور توجهی از تلقی دوم را نیز که در چارچوب مطالعات و مسائل علوم اجتماعی معاصر می‌گنجد، سراغ گرفت؛^۳ هرچند طبقه‌بندی این اثر در شمار تفسیرهای اجتماعی با تلقی میان‌رشته‌ای و مصطلح، درست به نظر نمی‌رسد.

حال در نوشتار حاضر از جریان تفسیر اجتماعی که در کنار دیگر جریان‌های تفسیری آمده است، همان تلقی و معنای نخست مراد بوده و در واقع به نگاهی تاریخی به جریانی معطوف است که بیشتر در دو قرن اخیر دغدغه حل مسائل و معضلات اجتماعی را از منظر قرآنی داشته و تا حدود درخور توجهی به نهضت‌های اسلامی در برابر وضعیت گذشته مدد رسانده است. با این حال، به نظر می‌رسد دو تلقی از تفسیر اجتماعی، به توضیح گذشته، از یکدیگر بیگانه نبوده و می‌توان از یک سو، تلقی قرآن‌پژوهان را در خدمت تلقی دوم دید و از سوی دیگر، قرآن‌پژوهان را نیز در توسعه دید و نگاه جامع و عصری به آیات قرآن و چارچوب مسائل در نظام تربیتی نیازمند مطالعات عالمان علوم اجتماعی دانست. از این رو، بررسی حاضر هرچند براساس نگاه

۱. نمونه‌هایی از این دست آثار عبارت‌اند از: ایازی، درآمدی بر مفهوم تغییرات اجتماعی در قرآن کریم؛ کاویانی، ارزشیابی مفاهیم روانشناسی اجتماعی از دیدگاه قرآن (پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)؛ کافی، نظریه ارتباط اجتماعی در قرآن، رساله دکتری پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲؛ از آثار روشمند در حوزه علوم اجتماعی اسلامی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده می‌توان از کتاب نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی، اثر دکتر حسین بستان (نجفی) یاد کرد.

۲. در این باره با نگرشی به تفسیر ترتیبی ر.ک: اعرافی، درآمدی بر تفسیر ترتیبی.

۳. برای نمونه ر.ک: بحث قرآنی ارزشمند علامه در تبیین منشأ حیات اجتماعی و نقش سه عامل: حب ذات، غریزه جنسی و غریزه استخدام و محوریت عامل اخیر (ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۶۹-۷۸)؛ نیز ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۶، (اصول فلسفه و روش رئالیسم)، ص ۴۳۵-۴۳۶؛ در این باره همچنین ر.ک: مقالات اجتماعی منتشر شده در ویژه‌نامه‌های همایش بین‌المللی اندیشه‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، از جمله مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱۹؛ نیز درباره اندیشه اجتماعی علامه و دیگران در تفسیر ر.ک: ایازی، «اندیشه‌های اجتماعی در تفسیر المیزان»؛ همو، «گرایش اجتماعی در تفسیر نوین»؛ ابراهیم‌پور، «روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، وینچ و علامه طباطبایی»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۴، ص ۲، ۱۳۹۰؛ نیز ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی جامع‌شناسی، ص ۲۹۸-۳۰۶.

تاریخی یاد شده به یکی از جریان‌های تفسیری ناظر است، اما به نظر می‌رسد می‌تواند مقدمه‌ لازم برای پروژه نوظهور تولید علوم اجتماعی از منظر اسلامی قرآنی نیز باشد و عالمان این علوم را نیز مدد رسانند. در واقع تجربه عالمان قرآن‌پژوه در ارتباط با تفسیر مفاهیم و آیات اجتماعی قرآن می‌تواند زمینه نظریه‌پردازی در موضوعات علمی مربوط را فراهم سازد.^۱

اما روش عقلی در عنوان جریان مورد بحث، به دلیل ابهام در معنای عقل در اصطلاح اندیشمندان، نیازمند توضیح است. عقلی بودن روش تفسیر به چهار وجه تفسیر می‌شود: وجه نخست، به عقل برهانی در چارچوب‌های نظری مکاتب فلسفی موجود ناظر است. روش عقلی در این وجه در دو حوزه عقل نظری و عملی، بر پایه ادراکات انتزاعی و غیرتجربی و در قالب قیاس‌های منطقی صورت می‌گیرد و مقدمات استدلال در آنها به بدیهیات اولیه، وجدانیات و فطریات باز می‌گردند؛^۲

وجه دوم، به عقل توجیهی و احتجاجی از سنخ ادله کلامی و بناهای عقلایی معطوف است که برخی مقدمات استدلال در آن از مبانی درون دینی گرفته می‌شوند؛

وجه سوم، از عقلانیت ابزاری در سطح حسی و تجربی و تبیینات عرفی حکایت می‌کند؛^۳ وجه چهارم، از عقلانیت در روش تفسیری امروزه در قالب رویکردهای هرمنوتیکی و تأویلی شناخته می‌شود که بیش از آنکه به مواد و محتوای ادله معطوف باشد، به روش فهم متن و اقتضاهاى آن اتکا دارد.

جریان مورد بحث در واقع طیفی از مفسرانی را دربرمی‌گیرد که وجوه متنوعی در روش عقلی آنها به کار رفته است؛ گو اینکه برخی بیشتر به دو وجه اخیر (عقلانیت ابزاری و عقلانیت تأویلی) تکیه دارند و برخی به معنایی عام از عقلانیت تکیه دارند که می‌توان از آن به عقلانیت علمی اجتهادی یاد کرد. براساس وجه اخیر، تفسیر هر آیه‌ای به حسب موضوع آن آیه و ماهیت آن موضوع نیازمند نوعی خردورزی و عقلانیت خاص است و از این‌رو، روش‌های متنوع علمی در کار تفسیر آیات به کار می‌آیند؛ برای مثال، عقل برهانی فلسفی و نیز عقل توجیهی کلامی در

۱. این بحث که تلاش‌های گذشته تفسیری در جریان اجتماعی عقلی به چه میزان به این هدف کمک کرده‌اند، در بخش اخیر این اثر، با عنوان «بررسی‌های غائی» باید بررسی شود.

۲. ر.ک: مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۱۰۱.

۳. در باره نقش روش تجربی یا عقلانیت تجربی در علوم اجتماعی با رویکرد دینی قرآنی ر.ک: بستان (نجفی)، نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی، ص ۸۰-۸۲.

آیات ناظر به اصول اعتقادی، مانند توحید و صفات الهی و نبوت و معاد، به کار گرفته می‌شوند، عقل ابزاری عرفی در آیات ناظر به امور طبیعی و تجربه‌های حسی و تاریخی مانند آیاتی که مخاطب را به مطالعه و نظر در نشانه‌های حسی عالم هستی و سرگذشت امت‌های دیگر فرا می‌خواند، به کار می‌آید و عقل تأویلی هر منوتیکی در فهم و تفسیر آیات متشابه و احوال عالم غیب کاربرد دارد.

۱-۳. روش تفسیر اجتهادی به مثابه روش معیار

بررسی جریان تفسیر اجتماعی عقلی همچون دیگر جریان‌های تفسیری نیازمند معیاری پذیرفته است که در واقع روش معیار به شمار می‌آید. به نظر می‌رسد بتوان از روش تفسیر اجتهادی به عنوان روش معیار سخن گفت. از این رو، لازم است درباره این روش توضیحی داده شود. «اجتهاد» از ماده لغوی جهد به معنای کوشش و تلاش توان‌گیر و طاقت‌فرساست.^۱ اما در اصطلاح فقهی، به «تلاش و صرف توان ممکن برای دستیابی به ظن یا حجت بر حکم شرعی» تعریف شده،^۲ که البته ضوابط و شروط آن در دانش اصول فقه متناسب با مبانی فریقین مقرر شده است. در نگاهی به مذاهب اصولی فقهی، درمی‌یابیم که در عرف فقیهان متقدم اهل سنت اجتهاد به معنای تکیه بر «رأی» و نظر به جای «روایت» و نقل در کشف حکم شرعی در مسائل فاقد نص شرعی آمده و پیرو آن در پیوند با ابزارها و منابعی چون قیاس، استحسان، مصالح مرسله و... ذکر شده است.^۳ این معنا از اجتهاد که با رأی‌گرویی منهای نص شرعی همراه بوده و به روش‌های قیاسی و استحسانی متکی است، همواره با انتقاد عالمان مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) مواجه بوده و دو

۱. ر.ک: ابن اثیر، النهایة، ج ۱، ص ۳۱۸؛ برخی میان واژه جهد به فتح یا ضم جیم تفکیک کرده و جهد را به معنای وسع و طاقت و توان و جهد را به معنای مشقت دانسته‌اند. به نظر می‌رسد این دو معنا اصولاً ملازم هم بوده و در صرف تمام توان در طلب چیزی معمولاً مشقت و دشواری هم هست؛ چه اینکه هر دو معنا در بیان برخی لغویان و دانشمندان برای این واژه گزارش شده است. ر.ک: تهانوی، موسوعة کشف اصطلاحات الفنون، ج ۱، ص ۱۰۱؛ غزالی، المستصفی، ج ۲، ص ۳۵۰؛ ابراهیم انیس و دیگران، المعجم الوسیط، ص ۱۴۲؛ در قرآن کریم نیز واژه جهد لزوماً به معنای مشقت بدون صرف طاقت و توان نیست: «وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ...» (فاطر، ۴۲) نیز ر.ک: معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۴۷.
۲. تعریف‌های مشهور از اجتهاد از این قرار است: «استفراغ الوسع لتحصيل الظن بالحکم الشرعی» یا «بذل الجهد فی استخراج الاحکام الشرعیة» یا «استفراغ الوسع فی تحصيل الحجة علی الحکم الشرعی» (ر.ک: محقق حلی، معارج الاصول، ص ۱۷۹؛ خراسانی، کفایة الاصول، ص ۴۶۳-۴۶۴؛ انیس ابراهیم و دیگران، همان‌جا).
۳. ر.ک: شافعی، الرسالة، ص ۴۷۷؛ نیز: صدر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولى، ص ۴۳.

طیف اصولیان و اخباریان شیعی آن را باطل شمرده‌اند.^۱ اما معنایی دیگر از اجتهاد را می‌توان در میان طیف غالبی از اصولیان شیعه سراغ گرفت. با توسعه دانش فقه و اصول در حوزه شیعی، به‌ویژه در روزگار غیبت امام معصوم (علیه السلام) و فقدان نصوص روایی متناسب با حجم نیازها و مسائل شرعی، به تدریج ضرورت نگرش اجتهادی برای کشف احکام دین احساس شد و اجتهاد با تعریفی متفاوت از اجتهاد به رأی با تلقی سنی، در ادبیات عالمان شیعه شیوع یافت و برای مثال، در تعریف آن چنین گفته شد: «الاجتهاد بذل الجهد فی استخراج الاحکام الشرعية».^۲ این تعریف به‌رغم تشابه و اشتراک با تعریف اصولیان سنی، به‌رغم خاصیت معطوف است که رأی و اجتهادی را در طول دلالت نصوص مطرح ساخته و نصوص را به مثابه اصولی کلی و درخور تحلیل و تفریع به مسائل و فروع جزئی می‌بیند که در پرتو آن می‌توان به مدد اصول عقلانی و اعتبارهای نظری به حجت‌های الهی در احکام شرعی راه یافت که هرچند بسیاری از آنها از سنخ ظنون هستند، اما ظنونی معتبر و قابل استناد به شرع هستند. در همین راستا می‌توان بر تعریف‌های دیگر اصولیان شیعه توجه کرد که با تأکید بر قید تحصیل ظن یا حجت بر حکم شرعی پیشتر گذشت.^۳

حال به دلیل مشابهت حوزه تفسیر قرآن با حوزه فقه که هر دو به نوعی در جستجوی معانی و مقاصد الهی هستند، می‌توان همگون با حوزه فقه در حوزه تفسیر نیز از اصطلاح اجتهاد سراغ گرفت. چه اینکه همپای فقه احکام شرعی، حوزه تفسیر نیز در میان فریقین سرگذشت مشابهی داشته و دو رویکرد رأی‌گرا و روایت‌گرا و پیرو آنها دو رویکرد ظاهری و اجتهادی در این حوزه قابل تعقیب است. اینک سؤال این است که: روش اجتهادی در حوزه تفسیر چگونه تعریف می‌شود؟

۱. ر.ک: سیدمرتضی، الذریعة، ج ۲، ص ۶۳۶ و ۶۴۶؛ طوسی، عدّة الاصول، ج ۱، ص ۳۹؛ ابن ادریس، السرائر، ج ۲، ص ۱۷۰؛ استرآبادی، الفوائد المدنیة، ص ۹۰-۱۲۷؛ حرّ عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۵؛ گفتنی است که مفهوم اجتهاد در تاریخ اندیشه اسلامی با تطور و تحول معنایی مواجه بوده است. در این باره ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۵-۱۰۸؛ رحیمی، «تطور اجتهاد»، دو فصلنامه علمی تخصصی علامه، ش ۲۹، ۱۳۸۹.

۲. حلی، معارج الاصول، ص ۱۷۹.

۳. در این باره ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ علی‌پور و حسنی، پارادایم اجتهادی دانش دینی، ص ۵۵-۶۲؛ گفتنی است که تعریفی از اجتهاد که در میان برخی دانشمندان عقل‌گرای متأخر و معاصر از میان فریقین رایج بوده و به ضرورت توجه به مقتضیات و نیازهای زمان و مکان و تطبیق کلیات شریعت بر فروع و جزئیات مسائل ناظر است، در واقع در همین تلقی اخیر مطرح می‌شود. برای نمونه، تعریفی که اقبال لاهوری و شهید مطهری از اجتهاد، به‌عنوان قوه محرکه اسلام و تفکر دینی دارند در همین راستا دیده می‌شود (ر.ک: مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۱، اسلام و نیازهای زمان، ص ۱۵۸).

در ادبیات نویسندگان اهل سنت گویا عنوان «تفسیر به رأی» بر همان عنوان تفسیر اجتهادی قابل انطباق است. تقسیم «تفسیر به رأی» به دو نوع ممدوح و مذموم در همین راستا صورت گرفته است. ذهبی تصریح می‌کند که مراد از رأی در اینجا همان اجتهاد است و تفسیر به رأی، یعنی تفسیر اجتهادی قرآن پس از آگاهی از زبان عربی و جوانب لغوی و دلالتی آن و عموم ابزارهای لازم همچون اسباب نزول و شناخت ناسخ و منسوخ و نیز با موافقت کتاب و سنت و مراعات دیگر شرط‌های تفسیر.^۱ تفسیر به رأی ممدوح در این دیدگاه همان تفسیر اجتهادی با مراعات شرایط یاد شده و در برابر تفسیر به رأی مذموم است که تفسیر بدون مراعات قوانین عربی و ادله شرعی و دیگر شرایط تفسیر است. استاد معرفت به درستی این اصطلاح از تفسیر اجتهادی را به انتقاد گرفته و می‌نویسد: تفسیر به رأی، به معنای اجتهاد در برابر تفسیر متأثر نیست، بلکه روشی نکوهیده است.^۲ این نکوهیدگی در واقع ریشه در متونی دارد که مفهوم «رأی» را در حوزه معرفت دینی و به‌طور خاص حوزه احکام شرعی و نیز «تفسیر به رأی» را در حوزه تفسیر قرآن نکوهش می‌کند.^۳ بر این اساس، اصطلاح تفسیر اجتهادی، از تفسیر به رأی متمایز بوده و تعریفی دیگر می‌طلبد.

در حوزه شیعی استاد معرفت در مقام تقسیم مناہج تفسیری از دو منهج نقلی و اجتهادی یاد کرده و تفسیر اجتهادی را به معنای تفسیری که بیشتر بر درایت و عقل اتکا دارد تا روایت و نقل، تعریف کرده است؛ روشی که پیشینه تاریخی آن به برخی تابعان بازمی‌گردد که باب اجتهاد و اظهار نظر در تفسیر را گشوده و به نقد و بررسی آثار منقول پرداخته‌اند.^۴ طبعاً در این تعریف اجتهاد در برابر تکیه بر صرفاً نقل و روایت آمده و در بیان شاخه‌های تفسیر اجتهادی نیز متناسب با تخصص ورشته علمی مفسر از شاخه‌های ادبی و لغوی، کلامی و فلسفی و عرفانی، اجتماعی، علمی و جامع یاد شده است.^۵ ضمن آنکه واژه «اجتهاد» در این تعریف به همان معنای لغوی آن اراده شده است.

به نظر می‌رسد این تعریف از تفسیر اجتهادی ابهام داشته و نسبت به منابع تفسیری در تفسیر اجتهادی جامع دارای وضوح نیست. برخی شاخه‌های تفسیر اجتهادی در این دیدگاه، همچون شاخه ادبی لغوی، براساس تعریف گذشته بر نقل تکیه بیشتری دارند تا عقل و درایت؛ هرچند مفسر ادبی بر پایه نکات و منابع نقلی در کتاب‌های لغت و ادبیات، غالباً نیازمند تحلیل لغوی

۱. ر.ک: ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۵۵. ۲. معرفت، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۸۱-۸۲.

۳. در این باره ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج ۳، ص ۷۵-۸۷؛ بابایی و دیگران، روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۵۶-۵۸.

۴. ر.ک: معرفت، التفسیر و المفسرون فی توبه القشيب، ج ۲، ص ۳۴۹.

۵. همان، ص ۳۵۳.

ادبی آیات نیز هست؛ چنان‌که در تفسیر روایی نیز منبع روایی در واقع مفسر را به فهم و تحلیل آیات بر پایه مفاد روایات می‌رساند. همچنین بر تنوع تفسیرهای روایی و نقلی نیز در این تعریف توجهی نشده است. برخی تفسیرهای روایی، تنها نقل روایات تفسیری‌اند و نه تفسیر قرآن براساس روایات؛ برخی دیگر افزون بر روایات، مشتمل بر نگاه اجتهادی و تحلیلی به خود روایات و نیز به آیات در ضمن روایات نیز هستند.

در تعریف و تحلیل دیگری از تفسیر اجتهادی که از سوی برخی قرآن‌پژوهان شیعی معاصر مطرح شده، بیان نسبتاً متفاوت و دقیق‌تری را می‌بینیم. استاد عمید زنجانی بر همین اساس تفسیر اجتهادی را حد وسط میان دو نوع تفسیر دیگر، یعنی تفسیر به رأی و تفسیر نقلی دانسته و تصریح کرده است که این روش از اعتماد به تدبر و عقل، توأم با تقید به روایات تفسیری استفاده می‌کند و در کنار سنت و روایات، به‌عنوان یکی از ارکان ضروری تفسیر، شرایط و مقدمات دیگری را نیز لازم می‌داند.^۱

برخی دیگر از محققان نیز با تکیه بر مفهومی از اجتهاد که با تفکر اصولی مکتب شیعه همخوان است، همسو با تعریف گذشته، چنین نوشته‌اند: «اجتهاد در تفسیر، تلاش برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات، براساس شواهد و قرائن معتبر است.»^۲ برپایه این بیان، اجتهاد تفسیری شامل طیفی از روش‌های رایج تفسیری با تفاوت مراتب و درجات خواهد بود. این تعریف هرچند در نظام فکری محقق و متکی به مبانی ایشان قابل توجیه است، اما فارغ از آن، به جهت نامعین بودن شواهد و قرائن معتبر در این تعریف، کلی و مبهم به نظر می‌رسد که پیروان هر روش و گرایش تفسیری می‌توانند آن را بر روش و گرایش خود تطبیق دهند؛ تا آنجا که حتی تفسیرهای روایی را که به لحاظ مبنای خاص تفسیری تنها به ظاهر روایات به‌عنوان منبع درست تفسیر تکیه دارند، شامل می‌شود.

به نظر می‌رسد آنچه تا حدودی به تبیین این تعریف در مباحث روش‌شناسی تفسیر کمک می‌کند، ارتباط آن با مفهوم اصطلاحی اجتهاد در تطور تاریخی آن در نزاع اخباریان و اصولیان است. چنان‌که گذشت، در عرف و اصطلاح فقیهان، روش اجتهادی در فقه احکام شرعی به لحاظ تاریخی در برابر روش روایت‌گرایان و اخباریان قرار گرفته است. اخباریان به روش‌ها و قواعد اصولی و عقلائی غیرمنصوص در استنباط احکام از کتاب و سنت التزام نداشته و تحلیل ظاهری روایات فقهی

۱. ر.ک: عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۳۳۱-۳۳۲.

۲. بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۰۸.

را ملاک و معیار اصلی در کشف احکام تلقی کرده‌اند. آنان ظواهر قرآن را منهای دلالت روایی، منبعی معتبر برای استنباط احکام ندانسته‌اند.^۱ در مقابل، فقیهان اصولی اجتهاد را به معنای کوشش در حد توان برای به دست آوردن احکام شرعی به‌گونه‌ای تفصیلی از منابع و ادله معتبر آن (اعم از کتاب، سنت، اجماع و عقل) تعریف کرده‌اند.^۲ از این منظر در تعریف تفسیر اجتهادی نیز منابع و ادله معتبر در کشف معانی و مقاصد آیات، فراتر از ظواهر و نصوص روایی بوده و گستره وسیعی از ادله و شواهد نقلی و عقلی را متناسب با مفاد آیات دربر خواهند گرفت. از این زاویه می‌توان تعریف تفسیر اجتهادی را بر پایه تعریفی عام از اجتهاد در روش و ابزارهای معرفت دینی دنبال کرد. مؤلفه‌های عام اجتهاد را در دو حوزه متعلق (قلمرو) و روش می‌توان چنین برشمرد: در حوزه متعلق اجتهاد و قلمرو آن، طیفی از ادله و شواهد نقلی و عقلی قابل توجه است. در حوزه روش اجتهادی نیز به جای استناد سطحی و تعبدی به ادله و شواهد مزبور، تحلیل و بررسی سندی و دلالتی شواهد نقلی از یک سو تحقیق و بررسی دیگر شواهد از سوی دیگر دنبال می‌شود.

بر این اساس، «روش تفسیر اجتهادی روشی تفسیری است که برای فهم و تبیین معانی و مقاصد آیات، گستره وسیعی از منابع، ادله و شواهد معتبر نقلی و عقلی را با نگاه تحلیلی متناسب با مفاد آیات در حد توان انسانی به مدد می‌گیرد». نگاه تحلیلی در این تعریف ناظر به استناد همراه با تحلیل و تحقیق و بررسی شواهد و قرائن در ارتباط با آیات است.

ذکر این نکته ضروری است که گاه بر روش اجتهادی با رویکردی جامع در تفسیر، توجه می‌شود. این رویکرد فارغ از امکان و ضرورت آن، به همه منابع و ابزارهای تفسیری که در کشف معانی قرآن مؤثرند و نیز همه رویکردها و گرایش‌ها که افق‌های معنایی مختلف قرآنی را نشان می‌دهند، نظر دارد،^۳ اما گاه این رویکرد معطوف به روش و گرایش خاص تفسیری صورت می‌گیرد که می‌توان از آن به روش اجتهادی نسبی یاد کرد. از این منظر می‌توان شاخه‌ای از تفسیر

۱. برای مثال، ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۵؛ نیز در این باره ر.ک: بهشتی، اخباریگری تاریخ و عقاید، ص ۲۸-۳۱.

۲. ر.ک: خراسانی، کفایة الاصول، ص ۴۶۴.

۳. ر.ک: بابایی، مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۳ و ۱۲۶ و نیز ج ۱، ص ۲۶. گفتنی است که در این اثر به رغم وعده مؤلف محترم بحثی تفصیلی از مکتب و روش تفسیر جامع اجتهادی مطرح نشده و به اشاره اجمالی اکتفا شده است. شاید این امر از آن رو قابل توجه باشد که به دلیل گستردگی و دشواری تفسیر جامع اجتهادی سابقه‌ای از آن وجود ندارد. البته مؤلف محترم در برخی عبارتها از عنوان اجتهادی نسبتاً جامع به جای اجتهادی جامع استفاده کرده (همان، ج ۲، ص ۱۲۶) که گویا ناشی از همین نکته بوده است، اما بحث تفصیلی از همین رویکرد نسبتاً جامع نیز رها شده است.